

نقش و جایگاه آرامگاه تاریخی تخت فولاد در حیات شهری اصفهان از صفویه تا معاصر

اکبر شاهمندی*

شهاب شهیدانی**

چکیده

تخت فولاد از جمله آرامگاه‌های متعددی است که هنوز بقایای بسیاری از آنها در بافت قدیمی اصفهان به جای مانده و قسمتی از هویت تاریخی و فرهنگی این شهر را شکل می‌دهد. این آرامگاه پیش از اسلام تا کنون به حیات و گسترش خود ادامه داده و به یکی از شاخص‌های هنر و معماری اصفهان تبدیل شده است. در این مجموعه تکایای مختلف، مساجد، مدارس و آب‌انبارهای متعددی وجود دارد که با اضافه شدن موزه و کتابخانه، ارزش این آرامگاه بیشتر شده است. تخت فولاد با مشخصات یاد شده و با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی و هنری‌اش می‌تواند برای تحقق بخشیدن به آرمان شهر اسلامی و استمرار هویت تاریخی، الگویی مناسب برای سایر آرامگاه‌ها باشد. این پژوهش می‌کوشد با مطالعه‌ای توصیفی و تحلیلی علاوه بر بررسی مباحث تاریخی و فرهنگی در تخت فولاد، به جایگاه و تعامل این آرامگاه با معماری و شهرسازی اصفهان از دوره صفوی تا عصر حاضر بپردازد.

واژگان کلیدی

اصفهان، صفویه، قاجار، معماری و شهرسازی، آرامگاه تخت فولاد، هویت.

shahmandi20@gmail.com

sh.shahab@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱۱

*. کارشناسی ارشد صنایع دستی - پژوهشگر هنرهای سنتی.

** استادیار دانشگاه لرستان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱

طرح مسئله

آرامگاه در فرهنگ و تمدن بشری همواره جایگاهی ویژه داشته و بخش مهمی از روند تکامل معماری را در گذر تاریخی شامل می‌شود. تمدن‌های کهنی همچون مصر، ایران و بین‌النهرین بناهای عظیم و ماندگاری را در این حوزه به یادگار گذاشته‌اند که از توجه آنان به مفهوم مرگ و زندگی، حبّ ذات و ارادت به متوفی ناشی می‌شود. از اهرام مصر و کاتاکومب‌های^۱ رومی گرفته تا گور دخمه‌های مادی، مقابر صخره‌ای هخامنشی و استودان‌های^۲ ساسانی همه از تنوع و گستردگی معماری مرگ حکایت دارند. در همین قلمرو مقابر بزرگان دین و حکومت همچون مرقد امام رضا^{علیه‌السلام} و مقبره امیر اسماعیل سامانی و دیگر مشاهیر علم، هنر و عرفان، توجه معماران و هنرمندان مسلمان به مقوله مرگ و ارادت به این بزرگان را یادآور می‌شود. با گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، آرامگاه‌ها نه به‌عنوان یک مقبره واحد پادشاهی بلکه به صورت مجموعه‌ای از مقابر و مزارات در آمده و ارتباط تنگاتنگی با کالبد شهر و روستا و عامه مردم برقرار کردند. این‌گونه از آرامگاه‌ها علاوه بر کارکردهای دینی و مذهبی، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز نقشی تأثیرگذار داشتند و به مانند دیگر فضاها، پراهمیت بودند. بی‌گمان، آرامگاه بیشتر از هر نوع بنای معماری (به جز مساجد) در ایران اسلامی مورد توجه عموم بوده است. آرامگاه در نسج جامعه و فرهنگ ایرانی ریشه دوانده و کمتر شهری در این کشور است که سهمی از چنین بناهایی نداشته باشد.^۳

از دلایل گسترش معماری آرامگاهی می‌توان به مهاجرت امامزادگان و سادات به ایران و شهادت و وفات آنان و همچنین شکل‌گیری دولت‌های محلی و ملی اشاره نمود. مقابر مذهبی برخلاف مقابر غیر مذهبی، به جهت گسترش عقاید دینی، بارها مرمت، تزئین و الحاقات زیادی بدانها اضافه می‌شد، چنان‌که دوره‌های تاریخی مختلف به خوبی در آنها مشهود است.^۴ در ایران دوره اسلامی عموماً رسم بر این بود که قبرستان‌ها را در کنار امامزاده‌ها و زیارتگاه‌ها می‌ساختند و در طول زمان و به سبب

۱. catacomb: معابد و مقابر زیر زمینی و مخفی مسیحیان در صدر مسیحیت.

۲. استودان یا ستودان، واژه استودان از دو بخش آستو - (هسته: استخوان) و - دان (جایگاه) ترکیب یافته است و به معنای جایگاه نگهداری استخوان است. استودان حفره‌هایی است که به صورت‌های منظم و چهارضلعی یا بدون ترتیب و ساده‌تر در درون سنگ کوه ایجاد کرده، مردگان را در آن می‌نهادند و استخوان‌های آنها در آن جمع‌آوری می‌شده است. بعضی از استودان‌های عهد ساسانی مشتمل بر نوشته‌های مذهبی و نام، در گذشته بوده است. این رسم، یکی از رسوم زرتشتیان است و بازمانده استودان‌های کهن را می‌توان در شوشتر، نقش رستم، شهر ری و استان یزد ایران مشاهده کرد. (بنگرید به: اوشیدری، دانشنامه مزدیسنا)

۳. کیانی، معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۵۸.

۴. عقابی، بناهای آرامگاهی، ص ۱۲.

ارادت به متوفی، اطراف امامزاده، محل سکونت زائرین شده و به مرور حالت آبادی و حتی شهر به خود می‌گرفت. کم نیستند شهرهایی مثل مشهد، نجف و کربلا که اصلاً شهرتشان را مدیون ساخته شدن در اطراف مقبره مقدس امامان هستند.^۱ روشن است که رشد آیین تشیع نقطه اوج همه این تحولات بود. در میان اماکن مقدسه، مقابر امامان شیعه و بستگان آنها در کربلا، نجف، مشهد، قم و سامره، کانون‌های طبیعی تمایلات مذهبی مردم شیعه گردید. رشد سریع فرهنگ زیارت قبور ائمه و خواندن نماز و ادعیه و ختم قرآن در این امکنه و رقابت روز افزون در به خاک سپردن مردگان در جوار مزار آن بزرگواران همه از عواملی بود که باعث بنای آرامگاه‌ها می‌شد. این بود که خیلی زود بنای آرامگاه‌ها به‌عنوان سمبل خواسته‌های سیاسی و مذهبی شیعه شناخته شده و هدایای فراوان شامل پول و ملک و موقوفاتی برای تأمین آینده را به خود جلب کرد. ایمان نسل‌های متوالی مردم محل و حرکت دائمی زوآر از راه‌های دور، نه تنها موجب آبادی بقاع می‌شد، بلکه آنها را توسعه داده و نقش و اهمیت آنها را در زندگی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه پررنگ‌تر می‌کرد.^۲

شهرهای اسلامی از نظر معماری و تزئینات و تنوع فضای شهری (چه در درون خود و چه در مقایسه با دیگر شهرها و ممالک) گوناگون بودند، اما همواره بر یک هدف یعنی «آرمان شهر اسلامی» تمرکز داشتند و روح حاکم بر آنها همان روح فرهنگ و اعتقادات اسلامی بود. این باور و آرمان همواره در جای‌جای معماری و شهرسازی اسلامی و حتی در آرامگاه‌سازی نیز در نظر گرفته می‌شد. از این رو همان‌گونه که مساجد سنگر اسلام محسوب می‌شدند، در آیین شیعه آرامگاه‌های مقدس و بقاع متبرک پشتمانه‌ای محکم برای این آئین بودند. بر این اساس برخی از زیارتگاه‌ها همچون تخت فولاد در مرکز وقایع و سیر تحولات تاریخی جامعه قرار گرفته، به پایگاه دینی، نظامی و سیاسی شهر تبدیل شده و می‌توانستند به‌عنوان مراکز انگیزش مردم برای جهاد و برخی تبلیغات مذهبی خاص عمل نمایند.

نقش اجتماعی زیارتگاه‌های بزرگ شیعی بخصوص در جریان مناسبت‌های مذهبی همچون ایام محرم (دسته‌های عزاداری، تعزیه و نوحه‌خوانی) و اعیاد دینی نیز قابل تأمل است؛ زیرا این مکان فضایی بود که عموم مردم سوگواری و شادی را با یکدیگر به اشتراک می‌گزارند.^۳ در حال حاضر نیز بر طبق روال گذشته علاوه بر برگزاری عزاداری‌های محرم و مراسم دُعا و نیایش در مجموعه تخت فولاد، بسیاری از مردم سال نو را در این آرامگاه و بر سراز مزار عزیزان خود و بزرگان مذهبی جشن می‌گیرند.

۱. کاشیگر، معماری مرگ، «مجموعه مقالات معماری مرگ»، ویژه‌نامه نشریه معمار، ش ۶۳، ص ۱۰۳.

۲. کیانی، معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۶۱.

۳. هلین براند، معماری اسلامی، ص ۲۶۶ - ۲۵۴.

آرامگاه‌ها در سه گروه: امامان و امامزادگان، عارفان و فقیهان و مفاخر ملی، هویت یک شهر یا آبادی و همچنین واسطه‌هایی هستند که مردم ایران از آنان به‌عنوان عامل ارتباط با گذشته و در نهایت نزدیکی به خدا بهره‌جویی می‌کنند.^۱ از طرفی آرامگاه کهن اسلامی همچون تخت فولاد که دارای ظرفیت‌های فرهنگی و هنری بالایی بود، می‌توانست هم برای دیگر تکایای اسلامی و هم برای فرهنگ‌های مجاور خود اعم از اسلام و غیر اسلام الگویی مناسب باشد، چنان‌که در آرامگاه‌های ارامنه و یهودیان اصفهان از معماری، تزئینات و آرایه‌های قبور تخت فولاد بهره‌برداری شده و نقوش بسیار مشابهی شکل گرفته است.

قبرستان تخت فولاد که ریشه در دوره پیش از اسلامی داشت، از قرن هشتم به آرامی گسترش یافت و در روزگار صفویه با توسعه شهر اصفهان و محلات آن به سوی جنوب شهر، رو به رشد نهاد و محل دفن صدها نفر از فقها، دانشمندان، بزرگان و مشاهیر اصفهان، از جمله «میرفندرسکی»، «آقا حسین خوانساری»، «میرزا رفیعی نائینی»، «آقا جمال خوانساری»، «فاضل اصفهانی» و ... گردید و به صورت یک دانه شهری و جزئی از حیات اجتماعی اصفهان و فرهنگ و تمدن ایران درآمد.^۲ بر پایه مطالب ذکر شده، تخت فولاد حقیقتاً آرامگاهی با تمامی خصوصیات و سنت‌های آرامگاه‌سازی می‌باشد که آن را به نمادی شاخص از هویت عمیق ایرانی - اسلامی در شهر اصفهان تبدیل نموده است. این آرامگاه با عناصر فرهنگی و هنری پُرشمار، گوشه‌ای از میراث فرهنگی ایران است که از دوره قبل اسلام و به‌ویژه در دوره اسلامی در مسیر تاریخی و زندگی اجتماعی این سرزمین جاری شده است.

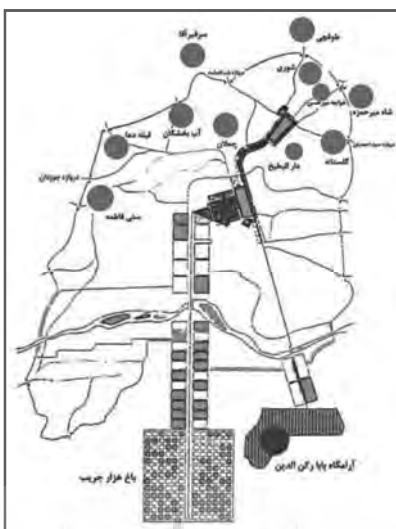
تاریخچه تخت فولاد از گذشته تا کنون

شهر اصفهان در دوره‌های متعدد، مرکز بسیاری از حکومت‌ها بوده است و از این رو حدود و قلمرو آن در ادوار مختلف متغیر بوده و برحسب عادت و احتیاج در این شهر قبرستان‌های متعددی وجود داشته است. معمولاً هر یک از محلات شهر اصفهان در بیرون دروازه و خارج از فضای مسکونی خود گورستانی داشته و ساکنین محل، مردگان خود را در آن گورستان دفن می‌کردند. گذشته از آن بسیاری از علما و روحانیون و متنفذین، مقبره خصوصی برای خود داشتند و یا پس از مرگ در محل زندگی خویش به خاک سپرده می‌شدند. پس از فتح اصفهان وسیله مسلمانان، اعراب در اطراف یهودیه ساکن شدند و برای خود مساجد، خانه‌ها و مزاراتی بنیان گذاشتند. گرچه اکنون قسمت‌های بسیاری از این مزارات به خیابان، میدان، مدرسه و بیمارستان تبدیل شده، گوشه‌هایی از آنها به شکل

۱. غروی، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، ص ۱۰.

۲. منتظرالقائم، دانشنامه تخت فولاد، ص ۳۰.

بقعه سادات، مشاهیر و امامزاده باقی مانده است.^۱ «میرزا حسین خان تحویلدار» در کتاب *جغرافیای اصفهان*، قبرستان‌های اصفهان را ۲۲ قطعه ذکر می‌کند که از آن جمله می‌توان به تخت فولاد، اسماعیل بن عباد، سنی فاطمه، قبله دعا، سرقبر آقا، شیخ ابو مسعود، آب بخشان، سنبلان، قبرستان ارامنه و یهودیان اشاره نمود.^۲ (نقشه ۱)



نقشه (۱): پراکندگی قبرستان‌ها در کالبد قدیمی شهر اصفهان

تخت فولاد گورستانی بسیار مشهور و مورد احترام در اصفهان است. تخت فولاد از زمان متروک شدن گورستان‌های داخل شهر تا سال ۱۳۶۳ که گورستان شهر در «باغ رضوان» ایجاد شد، تنها گورستان اصفهان بود.^۳ این مجموعه آرامگاهی هم اکنون در جنوب شرقی اصفهان و مساحت آن حدود ۷۵ هکتار است و گنجینه‌ای ارزشمند از مقابر و تکایای بزرگان، دانشمندان جهان اسلام در آن وجود دارد که هرکدامشان از میراث گران بهای فرهنگی می‌باشد.^۴

به نظر می‌رسد تاریخ پیش از اسلام این منطقه با داستان‌ها، اساطیر و اعتقادات مردم همراه است. قدیمی‌ترین اثر مربوط به دوران قبل از اسلام، وجود قبر «یوشع بن نون» از اولیای بنی‌اسرائیل است. قسمت دیگر لسان الارض به معنای زبان زمین است (گفته می‌شود امام حسن علیه السلام در این مکان حضور

۱. همو، «جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی»، مجموعه مقالات اولین همایش آرمانشهر اسلامی، ص ۴۶۴.

۲. تحویلدار، *جغرافیای اصفهان*، ص ۴۳ - ۴۱.

۳. جابری انصاری، *تاریخ اصفهان*، ص ۱۷۰.

۴. منتظراللقائم، «جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی»، مجموعه مقالات اولین همایش آرمانشهر اسلامی،

ص ۴۶۴.

یافته و زمین با حضرت سخن گفته) که دارای چهار دیواری مفصل است و میانش عمارتی و ضلع جنوبی بقعه منسوب به یوشع (غیر از یوشع بن نون وصی حضرت موسی) از انبیای بنی اسرائیل است.^۱

سابقه تاریخی منطقه تخت فولاد در قرون اولیه اسلام، تنها به یافته‌های باستان‌شناسی و اطلاعاتی که مربوط به باورها و داستان‌های مورخین و سیاحان است، محدود می‌شود و احداث گورستان را به دوره دیلمیان نسبت می‌دهد، البته این دیدگاه قابل بررسی است، چنان‌که برخی از کتیبه‌های به جای مانده از این دوره به خط کوفی موجود می‌باشد. از وضعیت گورستان تخت فولاد، از قرن پنجم تا هفتم هجری اطلاع زیادی در دست نیست. فقط تعدادی سنگ قبر با خط کوفی متعلق به دوره سلجوقی در قبرستان لسان الارض به دست آمده که در حال حاضر از محل نگهداری آنها اطلاعی در دست نیست.^۲ در قرون هفتم و هشتم هجری عده‌ای که به «بابا» و «پیر» شهرت داشتند، در این سرزمین متبرک سکونت داشتند و از این رو تخت فولاد دارای خانقاه، تکایا و زاویه‌های متعددی جهت سکونت دراویش مزبور بوده است. روستای تخت فولاد بعد از فوت «استاد فولاد حلویی» در سال ۹۵۹ هجری مقارن با سلطنت شاه طهماسب صفوی شکل گرفته و توجه مردم به مزار این عارف نیز باعث ساخت و ساز در اطراف مقبره وی و سپس توسعه بناهای مجاور و رونق تکیه «بابا فولاد» گردیده است. شاید به مناسبت وجود این مقبره، روستای تازه برپا شده، به روستای تخت فولاد معروف شده باشد. در عصر صفویه علاوه بر اینکه صحن امامزاده‌ها و مقابر خصوصی، پذیرای دفن مردگان بود، گورستان‌های متعددی نیز به صورت گورستان‌های عمومی مورد استفاده مردم اصفهان بود. گورستان بابا رکن‌الدین به عنوان عارف بزرگ شیعی (قرن ۸ ه) مورد احترام و ارادت علمای بزرگی چون شیخ بهایی، میرفندرسکی و ... بود و از این رو عوام نیز به تبعیت از ایشان بقعه را مورد توجه قرار داده و حتی به سال ۱۰۳۱ هجری بنای زیبایی را با نام شاه عباس بر فراز مزارش ساختند.^۳

این بقعه و گورستان اطراف آن تا اواخر عهد صفوی به عنوان گورستان عمومی اصفهان مطرح نبود، لیکن به علت شهرت مدفون در بقعه، معروفیت خاصی پیدا نمود و به نام گورستان بابا رکن‌الدین پذیرای رجال و مشاهیر اصفهان گردید.^۴ تدفین مشاهیر اصفهان اعم از علما، فقها، هنرمندان، عرفا و عموم مردم از عهد صفوی به بعد بخصوص در زمان شاه عباس انجام شده است. احداث مصلاهی بزرگ در جنوب گورستان بابا رکن‌الدین، ساخت تکایای «میرفندرسکی» و «تکیه لسان الارض»

۱. جابری انصاری، تاریخ اصفهان، ص ۳۱۷.

۲. فقیه میرزائی، تخت فولاد یادمان تاریخی اصفهان، ص ۴۰ - ۳۴.

۳. شاردن، سفرنامه شاردن، ص ۶۹.

۴. فقیه میرزایی، تخت فولاد، دمان تاریخی اصفهان، ص ۲۷.

در گورستان تخت فولاد و ایجاد محور تاریخی تخت فولاد (در کنار جاده اصفهان به شیراز) شامل بازار، کاروان‌سرا، مسجد، حمام، تکیه و گورستان در جهت شرقی - غربی در این دوره شکل گرفت که باعث توجه هرچه بیشتر مردم به این منطقه از اصفهان گردید. گسترش آرامگاه تخت فولاد در عهد شاه عباس دوم با سرعت بیشتری پیگیری شد و چنانچه از گفته شاردن برمی‌آید، در عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان بیش از چهارصد تکیه و خانقاه در این گورستان وجود داشته است که یک پیوستگی بافتی را در بین آنها باعث می‌شده است.^۱

در عهد سلطان سلیمان و با وفات میرزا رفیعا نائینی (۱۰۸۲ ق) و آقا حسین خوانساری (۱۰۹۸ ق) و احداث بقاع زیبا که از لحاظ معماری و تزئینات از بهترین نمونه‌های فاخر می‌باشد، تخت فولاد باز هم گسترش یافت. تضعیف دولت صفوی از لحاظ سیاسی و اقتصادی در عهد شاه سلطان حسین مانع از گسترش تخت فولاد و احداث بقاع بر مزار علمای دینی نشد، چنان که در این ایام نیز تکایایی همچون «فاضل سراب»، «خاتون آبادی»، «ملا اسماعیل خواجویی» و «آقارزی» شکل گرفتند و به تخت فولاد وسعت بیشتری بخشیدند. با همه این ساخت و سازها، هنوز زمان زیادی تا اتصال نهایی تخت فولاد به کالبد شهری اصفهان باقی مانده بود. حمله افغانه به سال ۱۱۳۵ ق باعث تخریب و ویرانی تکایای متعدد این آرامگاه شد و بسیاری از مصالح و سنگ مزارات آن برای حصاری که اشرف افغان ساخته بود به کار رفت. در دوره افشاریه و زندیه توجه زیادی به تخت فولاد نشد و به جز چند بقعه و چهارتاقی از جمله «بقعه فیض علیشاه» بنای چندان مهمی در آن تأسیس نگردید. آن گونه که از متون تاریخی برمی‌آید، تخت فولاد در اوایل حکومت فتحعلیشاه قاجار، روستایی کوچک با جمعیتی اندک بود و گورستان آن همچنان در خارج از برج و باروی اصفهان قرار داشت. (تصویر ۱)



تصویر (۱): تخت فولاد در دوره قاجار - ارنست هولستر، کتاب هزار جلوه زندگی

تا حدود سال‌های ۱۲۷۰ ق هنوز تخت فولاد در محدوده شهر اصفهان قرار نگرفته بود، اما به همت «عبدالله خان امین‌الدوله» فرزند «حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی»، چهارباغی در

۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ص ۷۰.

جنوب پل خواجه بنیان نهاده شده که این پل را به تخت فولاد و در اصل تخت فولاد را به بافت شهری اصفهان متصل می‌نمود. به واسطه همین اقدامات، گورستان بابا رکن‌الدین تحت‌الشعاع روستای تخت فولاد و باغ‌های بزرگ و سرسبزش قرار گرفته و به علت مجاورت آن، نام تخت فولاد به کل گورستان تعمیم داده شد.^۱ در این زمان تکیه و باغی زیبا برای «آقا محمدکاظم‌واله اصفهانی» و همچنین «تکیه مادر شاهزاده» بنا گردید. در زمان سلطنت محمد شاه و پس از آن ناصرالدین شاه که در آن دوران غالباً «ظل‌السلطان» حکمران اصفهان بود، بسیاری از بناهای صفوی تخت فولاد به عمد تخریب شد. در این زمان تکایای بسیاری نیز از جمله «تکیه محمدجعفر آبادی»، «تکیه شهشهانی» و «تکیه سید محمد ترک (جهانگیرخان قشقایی)» ساخته شد که اغلب آنها به‌خاطر مقبره علمای معروف شهر اصفهان بود. در اواخر دوره قاجار افرادی همچون «میرزا سلیمان خان رکن‌الملک»، «میرزا ابراهیم ملک التجار»، «میرزا محمدتقی تاجر نقشینه» و «محمدحسین تاجر کازرونی» به ساختن و یا تعمیر مساجد، تکایا، آب‌انبار و سقاخانه‌ها در تخت فولاد اهتمام ورزیدند و تکایای میرزا ابوالمعالی کلباسی، صاحب روضات، تویسرکانی، ریزی، آغاباشی و حاج آقا مجلس ساخته شد.

در دوران پهلوی نیز تکایایی مثل سید العراقرین، بروجردی، محمدلطیف خواجه‌ویی و حجت نجفی در این مجموعه آرامگاهی ساخته شد، هرچند که از نظر معماری و تزئینات هرگز با نمونه‌های صفوی و حتی قاجار قابل مقایسه نبودند. در این ایام با احداث فرودگاه اصفهان (در اراضی جنوب تخت فولاد)، ایجاد خیابان‌های فیض و سعادت آباد و نیز ساخت و سازهای مسکونی در این آرامگاه موجب گسیختگی بافت تاریخی تخت فولاد می‌شد، اما از طرفی تخت فولاد را در مرکز توجه عموم شهروندان و عنصری از بافت کلی شهر اصفهان قرار می‌داد. از دهه ۱۳۶۰ دفن اموات در این آرامگاه ممنوع گردید و از دهه هفتاد شهرداری اصفهان با ایجاد «مجموعه فرهنگی و مذهبی تخت فولاد» اقدام به مرمت و حفظ این گنجینه تاریخی و میراث فرهنگی نمود. همچنین بقاعی مثل رحیم‌ارباب، جهانگیرخان قشقایی، اشرفی اصفهانی و فاضل اصفهانی در این ایام ساخته شدند. (جدول ۱) در پی این اقدام و با احداث کتابخانه، موزه‌های سنگ و عکس و فضاهای سبز و طراحی‌المان‌های شهری درون آن، تخت فولاد با محیط پیرامون آنس بیشتری گرفت و از یک مجموعه آرامگاهی به یک موزه هنری و مرکز علمی - فرهنگی تبدیل شده و مخاطبان بیشتری را به خود جذب نمود. تخت فولاد اکنون از شمال به خیابان میرفندرسکی، از جنوب به خیابان سجاد و بلوار سعادت آباد (آزادگان)، از غرب به خیابان مصلی و از شرق به خیابان سجاد محدود می‌شود.

۱. فقیه میرزایی، تخت فولاد یادمان تاریخی اصفهان، ص ۵۲ - ۴۳.

جدول (۱): بررسی عناصر معماری تخت فولاد از دوره صفوی تا معاصر - از کتاب

تخت فولاد یادمان تاریخی اصفهان و تحقیقات میدانی نگارنده

دوره‌ها	تکایا و بقاع	مساجد	مدارس	آب انبار	سنگاب و سقاخانه	چهار تاقی	کاروان‌سرا	چله خانه	موزه	کتابخانه
دوره صفوی	۱۱	۲	۱	۳	۴	-	۱	۴	-	-
دوره قاجار و زند	۲۲	۵	-	۶	۸	۴	-	۱	-	-
دوره پهلوی	۲۷	-	-	-	۳	۱	-	-	-	-
دوره انقلاب اسلامی	۶	۱	۱	-	۲	۲	-	-	۳	۱
مجموع	۶۶	۸	۲	۹	۱۶	۷	۱	۵	۳	۱

مکتب معماری و شهرسازی اصفهان

با برگزیده شدن اصفهان به عنوان پایتخت صفویان در سال ۱۰۰۶ ق / ۱۵۹۰ م شهر اصفهان دوران جدیدی از تغییر و تحول را آغاز می‌کند. در این دوره و با رسمی شدن مذهب تشیع حیات عقلی شیعی به اوج خود رسید و یک جریان حکمی و فلسفی بر تمام شئون حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر گذاشته و باعث شکل‌گیری مکتبی بزرگ به نام «مکتب اصفهان» گردید. تحت پوشش این مکتب، معماری و شهرسازی اصفهان نیز تجربه‌های تازه را آغاز نمود و از ظرفیت‌های هنری موجود (خوشنویسی، نقاشی، هنرهای صناعی و ...) در ارتقای فرهنگی و هنری شهر بهره فراوان برد. توسعه شهر اصفهان در عصر صفویه با تکیه بر تجربه‌های ارزنده شهرسازی و معماری دوره‌های قبل یعنی آل بویه و سلجوقی و بر مبنای شهرسازی سنتی اسلامی تداوم یافت. در این دوره بدون تخریب بافت قدیمی شهر و با ایجاد میدان بزرگ نقش جهان، شکل‌دهی چهارباغ و ساخت مساجد و مدارس متعدد، شهری گسسته و باز شکل گرفته پدیدار و عظمت و اقتدار لازم برای دستگاه حکومتی ایجاد گردید.^۱ شاه عباس برای تحقق بخشیدن به رویای خود تلاش می‌کند پایتختی بزرگ با خیابان‌ها، قصرها، دیوان‌خانه‌ها، مدارس و مساجد، باغ‌ها و حمام‌ها دایر نماید. در عملی ساختن این تفکر، فردی فیلسوف، فقیه، عالم یعنی «شیخ بهایی» وی را همراهی کرد.^۲ از دیگر حکما

۱. ضرابی، «ساختار شهر در اصفهان عصر صفویه»، مجموعه مقالات اصفهان و صفویه، ج ۲، ص ۴۰۲.

۲. سیوری، اصفهان عصر صفوی، ص ۱۵۲.

و فلاسفه ایرانی که در شهرسازی و معماری اصفهان صفوی سهیم بودند، می‌توان به «میرداماد» و «ملا محسن فیض کاشانی» اشاره نمود که چند مدرسه دینی برپا نمودند.^۱

توجه شاه عباس فقط به بناهای غیر دینی معطوف نبود. سلاطین صفوی همگی به امامان شیعه به‌ویژه حضرت علی علیه السلام احترام می‌ورزیدند و برای همین دوران آرامگاه سازی برای امامزادگان فرا رسید و بسیاری از آنها موجودیت فراموش شده خود را باز یافتند.^۲

لذا در کنار جریان توسعه شهری اصفهان، توجه زیادی به بُقاع متبرکه، امامزاده‌ها و مدفن عرفا و مشاهیر دینی صورت گرفت و تخت فولاد نیز دستخوش تغییر و تحولات گردید. در اوایل عهد صفوی بیشتر مردم اصفهان در محلات کهنه شمال شهر یعنی میدان کهنه سلجوقی و محلات اطراف آن زندگی می‌کردند، اما در جنوب شهر و راه‌هایی که به رودخانه و فراسوی آن می‌پیوست، دست شاه باز بود و طرح توسعه شهر را در سطح وسیعی مقدور می‌ساخت.^۳ بر همین اساس یقیناً تخت فولاد نیز در مسیر تغییرات جدید قرار می‌گرفت و به فضای شهری جدید نزدیک می‌شد و مرمت و احداث بُقاع و تکایای مختلف که با کلیات معماری و تزئینات شهری متناسب باشد را طلب می‌نمود. از دوره صفوی به بعد در تخت فولاد تکایای مختلفی با انواع پلان‌ها، گنبد‌های متنوع و سردرهای زیبا شکل گرفت که این بناهای جدید خود انواع مساجد، مدارس، سقاخانه‌ها و آب انبارها را در درون این مجموعه آرامگاهی لازم داشت.

گسترش مجموعه‌های آرامگاهی ارتباط مستقیمی با گسترش مذهب و اعتبار و تقدس صاحب مدفن داشت؛ زیرا بر حجم و ارزش هنری و معماری بناهای ساخته شده تأثیر زیادی می‌گذاشت، به طوری که گاه مجموعه آرامگاهی (مانند آستان قدس رضوی) در شکل‌گیری جغرافیای شهری نقشی اساسی بازی کرده و مرکز فعالیت‌های مختلف مذهبی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌گردید. از نظرگاه معماری نیز، بناهای ساخته شده در این مجموعه‌ها، معرف دوره‌های مختلف ساختمانی و شیوه‌های گوناگون معماری و از نظر مطالعه تاریخ معماری اسلامی ایران حائز کمال اهمیت هستند^۴ چنان‌که این روند به خوبی در آرامگاه تخت فولاد قابل مشاهده و بررسی می‌باشد.

مکتب معماری و شهرسازی صفوی در تاریخ معماری ایران آن‌چنان مقامی شایسته دارد که بیان نمادین و ظریف آن، دوره‌های بعد از خود را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در دوران پس از انقراض

۱. طهوری، «اصفهان شهر زمردین»، گردهمایی مکتب اصفهان (مجموعه مقالات حکمی و هنری)، ص ۲۴۳.

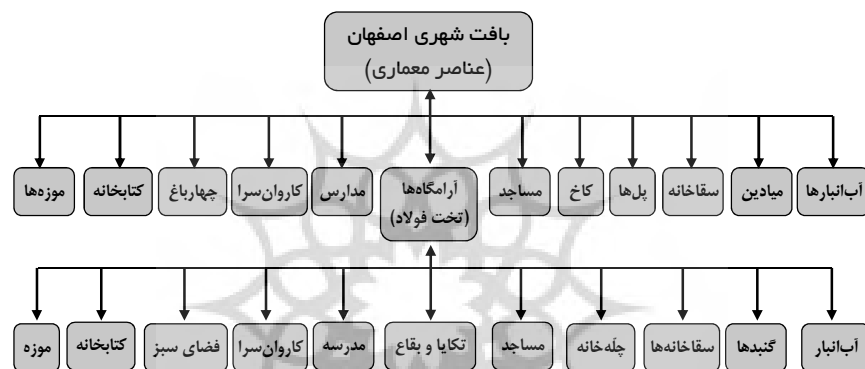
۲. غروی، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، ص ۱۶۵.

۳. براند، معماری اسلامی، ص ۴۱۹.

۴. عقابی، بناهای آرامگاهی، ص ۴۷.

صفویه تا روی کار آمدن فتحعلیشاه، فضای شهری همانی است که در مکتب اصفهان ساخته شده است. مکتب معماری و شهرسازی قاجار از دل مکتب اصفهان جوشش می‌گیرد؛ مکتبی که بعدها و در عصر ناصرالدین شاه و تجدّد طلبی ایرانیان می‌کوشد تا فضاهای تازه و متنوعی را متناسب با تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی صورت گرفته در کالبد شهری قرار دهد.^۱

در اصفهان اوایل قاجار، ابتدا «محمدحسین خان» که بعدها صدراعظم فتحعلیشاه شد و سپس فرزندش عبدالله خان موفق شدند تنها قسمت‌هایی از بازار و بنای عمومی اصفهان را بازسازی نمایند، اما وظیفه اصلی بر عهده افراد محلی افتاد و هریک از این محلات بنا بر امکانات موجود، بناهای خود را نوسازی و یا بناهای جدید بدان افزودند.^۲ به همین دلیل در دوره قاجار بسیاری از بناهای عمومی نام بنیان خود را بر سر در می‌بیند. مسجد رکن‌الملک در مجموعه تخت فولاد، مسجد رحیم خان و مسجد سید نمونه‌هایی از آنهاست. در سال ۱۳۰۰ هجری «محمدتقی نقشبند» تاجر معروف اصفهان به تعمیر و مرمت بناهای دوره صفوی همت گماشت و دیواری به ابعاد ۲۶۰×۲۸۰ متر در اطراف مصالای تخت فولاد کشید. با این عمل بر وسعت مصلی افزوده شده و مورد توجه قرار گرفت،



شکل (۱): عناصر معماری آرامگاه تخت فولاد به‌عنوان زیرمجموعه و نمونه کوچکی

از کل شهرسازی اصفهان

به‌طوری‌که در اعیاد مهم از قبیل فطر و قربان عموم مردم اصفهان در آن نماز عید را برپا می‌کردند.^۳ حتی در بخش آرامگاه‌سازی که تا قبل از آن توجه بر مقابر بزرگان دینی و سلاطین بود

۱. حبیبی، «مکتب اصفهان، دولت قاجار و سبک تهران»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ص ۲۴۶ - ۲۲۳.

۲. جبل عاملی، نوآوری «در معماری دوره قاجار در برخی از بناهای تاریخی اصفهان»، مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ص ۵۵۴ - ۵۵۱.

۳. فقیه میرزایی، تخت فولاد یادمان تاریخی اصفهان، ص ۱۳۴.

تحولاتی ایجاد شد و هر خاندان در خور شأن، اعتبار و تمکن مالی خود، در تخت فولاد دارای تکیه و آرامگاه شخصی و خانوادگی شدند. تکیه بختیاری ها در مجاورت تکیه میرفندرسکی از این نمونه است. در این روند، آرامگاه تخت فولاد که از دوره صفوی مورد توجه خاص قرار گرفته و در فضای شهر جدید اصفهان به خوبی تعریف شده بود، در دوره قاجار نه تنها فراموش نشد، بلکه با بنای تکایای جدید و متعدد بر گسترش آن افزوده شد و همبستگی آن با محیط پیرامون ادامه یافت.

تجلی مکتب شهرسازی اصفهان در تخت فولاد

معماری و شهرسازی و به ویژه آرامگاه سازی، نماد و نشانه اعتلای فرهنگی ملت‌ها به شمار می‌آید. اصفهان نیز در گذر تاریخی خود مزارهای متعددی از این موارث کهن را شاهد بوده است که با شاهکارهای بی‌نظیر معماری و شهرسازی تحقق یافته است. از طرفی هر فضای شهری و معماری، درون و برونی دارد؛ در درون نظم‌های خود را شکل می‌دهد و در بیرون از محیط پیرامون تأثیر می‌گیرد.^۱ تخت فولاد نیز از این قاعده پیروی می‌کند و گرچه یک محیط آرامگاهی است و با معنای مرگ و حزن در ارتباط است، ظاهر و نمای خود را همپای معماری و تزئینات شهری پیش می‌برد و با مفهوم زندگی هماهنگ می‌شود. زائر در برخورد با برخی از تکایای این آرامگاه این احساس را دارد که به درون خانه‌ای مجهز قدم نهاده و گویی اینجا خانه زندگی است، نه خانه مرگ و نیستی.

اتصال به عالم ماورا و اعتقاد به علم غیب جزء لاینفک فرهنگ و تمدن اسلامی است. بر این اساس کثرت عالم وجود در حرکت متعالی به سمت وحدت جریان می‌یابد و تصویری از زیبایی مطلق می‌شود. شهرسازی اسلامی نیز در بطن این جریان قرار دارد و می‌کوشد با کنار هم قرار دادن عناصر معماری و بناهای مختلف، معانی الهی و آسمانی را متجلی سازد، مفهومی که از آن به‌عنوان «آرمان شهر اسلامی» یاد می‌شود. شهر اسلامی اصول کثرت، وحدت، تمرکز، اتصال، تجمع، توازن، تناسب، تداوم و غیره را در دستور کار خود دارد که تمامی این اصول به نحوی زیبا از دوره صفوی تا معاصر در معماری تخت فولاد رخ داده است. هرکدام از تکایای تخت فولاد جزء منحصر به فردی برای خود می‌باشند؛ زیرا هریک از دوره‌های تاریخی خاص با معماری و تزئینات خاص خود می‌باشند و نوعی کثرت را نشان می‌دهند.

این کثرت در معماری تخت فولاد را از جنبه‌های دیگر نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد و آن حضور متعدد بناها با کارکردهای متفاوت مثل مساجد، کاروان‌سراها، مدارس دینی، سقاخانه‌ها، آب‌انبارها و غیره است. اما این تنوعات معماری در سبک‌ها و کارکردها، ریتمی موسیقایی را باعث شده است و در کُل روی به وحدت و یگانگی دارد. این «وحدت در کثرت» که حداقل از دوره صفوی

۱. اهری، مکتب شهرسازی اصفهان، ص ۴۳ - ۱۳.

آغاز می‌شود تا دوره قاجار هم ادامه می‌یابد. قدرت مبنای الگوهای معماری و شهرسازی به کار گرفته شده در دولت صفوی آن‌چنان بود که سبب احیای مجدد آنها در زمان فتحعلیشاه قاجار و صادرات «محمدحسین خان صدر»، در اصفهان گردید.^۱ این تأثیرات در آرامگاه تخت فولاد به شکل بارزی خود را نشان داد و تکایای متعدد با ویژگی‌های سبک قاجار به مجموعه این آرامگاه اضافه شد. از دیگر اصول معماری و شهرسازی اسلامی که در تخت فولاد نیز تبلور می‌یابد، اصل تمرکز است. بدین معنا که تکایای متعدد در کنار یکدیگر و در کالبد شهری تمرکز یافته و بخش واحدی را به خود اختصاص داده است. جای‌جای شهر اسلامی همچون کلیت یک شهر کامل است و در ارتباط با دیگر کُل‌های کوچک تعریف شده و رشد می‌یابد. با این بیان هر یک از تکایای تخت فولاد هویتی مستقل دارند، اما همسو با کل مجموعه تخت فولاد عمل می‌نمایند و خود آرامگاه تخت فولاد نیز به عنوان یک جزء از کل معماری شهری به حساب می‌آید. این عناصر متفاوت در تخت فولاد شامل سقاخانه‌ها، آب انبارها، مساجد، مدارس، کاروان‌سرا و غیره می‌باشند که اصل تجمع در معماری را نشان می‌دهند. (شکل ۱)

تباین از دیگر خصایص مکتب شهرسازی اصفهان و بدین معناست که هرچند فضاهای شهری هریک دارای هویتی مستقل و یگانه هستند، در مجموع واحد منسجم شهری و نوعی هماهنگی را به وجود می‌آورند. آرامگاه‌های تاریخی اصفهان به‌خصوص تخت فولاد از این مورد مستثنا نیستند و علاوه بر هارمونی داخلی از ریتم کلی شهر نیز پیروی می‌کنند. در اصل اتصال، فضاهای شهری ارتباط و پیوند به یکدیگر را جستجو می‌نمایند. خانه‌ها، مساجد، آرامگاه‌ها، مدارس و دیگر بناها به هم متصل شده و یکپارچه، فرهنگ و باورهای اسلامی را تبیین می‌کنند. در شهرسازی مکتب اصفهان تلاش می‌شود علی‌رغم عظمت و بزرگی فضاها همواره معماری و فضایی با مقیاس انسانی شکل گیرد تا به مقام ازلی انسان در برابر فنا بودن دنیا شکوه و عظمت بخشیده شود.^۲ همان‌گونه که در قضیه تدفین و آرامگاه‌سازی، سنت اسلامی و دستورات پیامبر بر آن است که قبور برافراشته نشوند و به یک سطح خاکی کوتاه بسنده شود. براین اساس بناهای آرامگاهی تخت فولاد آن‌چنان عظمتی به خود نمی‌گیرند و گرچه تزئینات مختلفی (گچ‌بری، کاشی کاری، آینه‌کاری و نقاشی دیواری) در معماری تخت فولاد وجود دارد، آن‌چنان پر زرق و برق نیستند، اکثر فضاها آجری و با پلان‌های چهار و هشت و فاقد پیچیدگی‌های متراکم است که علاوه بر ساده نمودن بناها و فضاها، دسترسی به این آرامگاه را نیز آسان‌تر می‌کند.

۱. همان، ص ۱۴.

۲. حبیبی، «مکتب اصفهان در شهرسازی - گذر از عالم خیال به سرزمین خرد»، گردمبایی مکتب اصفهان - مجموعه مقالات معماری و شهرسازی، ص ۵۲.

شهر و فضای شهری در فرهنگ اسلامی همچون زبان و بیان از اسلوبی تبعیت می‌کند که بتواند گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند؛ در واقع هنر سنتی اسلامی، بیانگر معنویت و پیام باطنی اسلام به وسیله زبانی ازلی است.^۱ بیان «سهل ممتنع» یکی از مشخصه‌های فرهنگ، ادبیات و هنر ایرانی و از بنیادی‌ترین دستورات عملی‌ها در طراحی شهری است که در معماری و شهرسازی اصفهان نیز خود را آشکار می‌کند و اصل ایجاز نام می‌گیرد.^۲

بر این اساس در مجموعه آرامگاهی تخت فولاد علاوه بر بناها که خود دارای شکل و فرمی نمادین هستند، به کمک تصاویر، نقوش، انواع تزئینات و کتیبه‌ها، تلاش می‌شود تا به صورتی پرمعنا و رمزگونه، مفهوم مرگ و زندگی را مورد توجه قرار دهد. مهم‌ترین و والاترین معنایی که از مکتب شهرسازی اصفهان تداعی می‌شود، تجلی انگاره‌های وادی خیال و ارائه تصویری زمینی از عالم مثال است. در فرهنگ اسلامی اصلی به نام «برگشت‌پذیری» وجود دارد. بدین معنا که عناصر دنیوی، مظاهری از نمونه ازلی بهشتی آن هستند.^۳ لذا هنر و معماری اسلامی می‌کوشد نمونه‌ای شبیه به بهشت مثالی بر روی زمین به وجود آورد. گنبد‌های فیروزه‌ای و نیلگون همراه با بناهای چهار و هشت و شانزده ضلعی با کمک تزئینات گیاهی و هندسی در کنار درختان سرو و کاج می‌خواهند تصویری از باغ بهشت را ارائه دهند. در این جهت آرامگاه‌های اسلامی و بخصوص تخت فولاد با معماری‌های متنوع و سرسبز، خود از این امر مستثنا نبوده و همان مفاهیم را دنبال می‌کنند. حتی حوض‌ها، سقاخانه‌ها و آب‌های جاری آرامگاه اشارتی به آب‌های مجاری بهشت است. تخت فولاد دارای چندین سنگاب، سقاخانه است و در جای جای آن حوض‌های مختلفی تعبیه شده است که علاوه بر سیراب نمودن تشنگان، زیبایی را بدین مکان هدیه کرده و با مفاهیم آسمانی پیوند می‌دهد. تا زمانی که اصول مکتب شهرسازی اصفهان، حاکم بر نحوه شکل‌گیری فضاهای شهری و شهر بوده است، فضاهای شهری و معانی آنها نیز تغییر نکرده و بر مبنای همان مفاهیم سنتی به حیات خود ادامه داده‌اند و تنها ظهور مفاهیم و انگاره‌های مدرن که سبب دگرگونی اصول حاکم بر طراحی شهری و شهرسازی شده، تغییر بنیادی در فضاها و شیوه شکل‌یابی آنها را موجب شده است.^۴

مفاهیم فوق‌این‌گونه در تخت فولاد محقق شده و در گذر زمان و از دوره صفویه تا معاصر تخت

۱. نصر، هنر و معنویت اسلامی، ص ۷۸.

۲. حبیبی، «مکتب اصفهان در شهرسازی - گذر از عالم خیال به سرزمین خرد»، گردمایی مکتب اصفهان - مجموعه مقالات معماری و شهرسازی، ص ۵۳.

۳. بورکهارت، هنر مقدس، ص ۱۸۸.

۴. اهری، مکتب شهرسازی اصفهان، ص ۱۸۵.

فولاد مفاهیم سنتی و معماری گذشته خود را حفظ نموده و اگر ساخت مصالحی جدید (به جای مصالحی قدیم) آغاز نشده بود، این معانی و مفاهیم سنتی به یقین به صورت کامل‌تری خود را عیان می‌ساخت. گرچه با وجود سازه‌های آهنی و بتونی عظیمی که از دو دهه پیش آغاز شده و بافت سنتی تخت فولاد را تحت‌الشعاع ابعاد خود قرار داده، حضور سنت و جلوه‌های فرهنگی و هنری در این مکان، چنان پررنگ است و تخت فولاد آن‌چنان با تاریخ و هویت شهری اصفهان گره خورده که تا سالیان دراز به حیات خود ادامه خواهد داد.

این مجموعه ارزشمند و نفیس آرامگاهی که در کالبد خود تمامی خصوصیات معماری در آرمان شهر اسلامی را داراست، اگر از تغییرات مدرن شهری در امان بماند، همچون دیگر بافت‌های قدیمی و سنتی شهر، حس زیبادوستی انسان سرگشته و مدرن را اغنا کرده، توجه به مرگ و زندگی و یاد عُرفا و مشاهیر مدفون در آن را زنده نگه خواهد داشت و الگویی مناسب برای معماری آرامگاهی در تمام ایران و حتی جهان اسلام خواهد بود.

تخت فولاد و استمرار هویت تاریخی

معماری، ظرف زندگی انسان است، ظرفی که انسان با بهره‌گیری از خرد، اندیشه و فرهنگ خود آن را می‌آفریند.^۱ از این منظر، شهر بیشتر حالتی از اندیشه است، انسجامی از عادات و سنن و طرز فکرهای سازمان یافته که ذات لاینفک این عادت گردیده است. به عبارتی دیگر شهر صرفاً یک مکانیزم و مصنوع نمی‌باشد، بلکه محصول طبیعت و بخصوص طبیعت بشر است.^۲ شهر و عناصر معماری آن گرچه در ظاهر سازه‌هایی بیش نیستند، در محتوای خود روح فرهنگ و هنر زمانه خویش را به همراه دارند و روایتگر هویت تاریخی جوامع می‌باشند.

یکی از اصولی که «کوبین لینچ»^۳ در «تئوری شهر خوب» متذکر می‌شود اصل «معنا» است که خود دارای ویژگی‌های ساختار، هویت، شفافیت، سازگاری و خوانایی است. ساختار و هویت به ما این امکان را می‌دهند تا فضا و زمان را شناخته و در قالب الگوهای خود معرفی کنیم. «معنا» یعنی اینکه شهر تا چه اندازه می‌تواند به خوبی درک شده، از نظر ذهنی با ارزشها و مفاهیم جامعه

۱. هلتنزی هال، تاریخ و فلسفه علم، ص ۴۲.

۲. پارک، مفهوم شهر، ص ۶۸. (در اینجا منظور از طبیعت بشر، مجموعه افکار و خرد، فرهنگ، هنر و باورها و روح بشر است تا صرفاً یک شیء مصنوع)

۳. Kevin Lynch: کوبین لینچ (۸۴ - ۱۹۱۸) شهرساز و طراح آمریکایی و از جمله پژوهشگران و نظریه‌پردازان مبانی و مفاهیم مربوط به زیبایی‌شناسی فرم شهر و تحلیل ادراک شهر در قرن بیستم است و خالق آثار بزرگی چون سیمای شهر.

ارتباط برقرار کند.^۱ همچنین رویکرد لینچ به شهر رویکردی معماری - تاریخی است و این امر در کنار رویکرد معناشناختی او نسبت به شهر قرار می‌گیرد. در این رویکرد عنوان می‌شود که شهر واقعیت و دغدغه‌ای نیست که تنها حوزه علوم اجتماعی و انسانی را به خود مشغول کند. بررسی بُعد فضایی شهر آن را وارد حوزه معماری می‌کند و از آنجا که مکان، ساخته دست انسان است؛ در طول زمان متحول می‌شود و سیری تاریخی را می‌توان برای آن در نظر گرفت. این نگاه جدید به شهر و محیط‌های انسان‌ساخت، باعث شده هویت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ادراک شهر، نقش بسزایی را در شناخت شهروندان از شهر به عهده گیرد.^۲

شکل‌گیری اولیه فضاهای آرامگاهی حتی الامکان در کنار اماکن مقدس و عموماً خارج از شهرها در مکانی با سهولت دسترسی برای بازماندگان بوده است. بعدها به مرور و با توسعه شهرها، گورستان‌ها به داخل شهر وارد شده و تا حد امکان گسترش یافتند. در ادامه روند توسعه شهرها و افزایش جمعیت آنها، گورستان‌های جدیدی در فاصله دور از بافت شهری و در قالب فضاهایی وسیع، نظیر آنچه امروز در آرامگاه «بهشت زهراى تهران» و «باغ رضوان اصفهان» شاهد آن هستیم، شکل گرفتند^۳ که با سنت و هویت ایرانی - اسلامی فاصله داشته و این امر خود لزوم حفظ و نگهداری آرامگاه‌های تاریخی و درون شهری را یادآور می‌شود.

گورستان‌های تاریخی درون شهری، شاهد آسیب‌های مختلفی از جمله فرسودگی و از دست دادن تدریجی فضاهایی خاطره انگیز برای نسل‌های میان‌سال و کهن‌سال است و روایت‌های نسل گذشته برای نسل جدید را بی‌مکان جلوه داده و خاطرات و هویت جمعی را کاهش می‌دهد.^۴ این آسیب‌ها در تخت فولاد با عمومی‌تر شدن فضای آرامگاه، ایجاد فضاهای جدید (کتابخانه، موزه، فضای سبز و ...)، برگزاری کلاس‌های آموزشی و تفریحی از جمله «تخت فولادشناسی» برای سنین مختلف (حتی کودکان و نوجوانان) و چاپ کتب متعدد، کم‌رنگ شده و علاوه بر حفظ نمودن هویت گذشته، ارتباط معنوی و پیوستگی تاریخی میان نسل دیروز و امروز را برقرار می‌کند.

انتقال باورها و مفاهیم معنوی و تاریخی به آیندگان صرفاً از طریق نوشته‌ها امکان‌پذیر نیست، بلکه نمادهای عینی و واقعی آثار تاریخی گاه مهم‌تر هستند. قبرستان‌های کهن از حیث معماری، تزئینات، ادبیات و حتی مشاهیر مدفون در آنها از مهم‌ترین و قابل دسترس‌ترین ابزارهای انتقال

۱. بهزادفر، هویت شهر - نگاهی به هویت شهر تهران، ص ۳۸ - ۳۷.

۲. نگارستان، تنوری منظر - رویکردی بر تداوم هویت در روند نوسازی شهر، ص ۶۲.

۳. حقیر، چگونگی ارتقای جایگاه گورستان در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران، ص ۸۳.

۴. همان.

هویت به آیندگان هستند. از سوی سنگ نوشته‌ها و سنگ نگاره‌ها با انواع نشانه‌های تصویری و نقوش نمادین نیز می‌توانند عاملی در آگاهی و فهم نسل امروز از باورهای پیشینیان و سیر حرکت تاریخی و فرهنگی آنان باشد. از طرفی نقش و جایگاه آرامگاه‌ها در شهر و چگونگی تعامل آنها در رسیدن به توسعه پایدار شهری و پررنگ نمودن این کارکرد به‌خصوص در آرامگاه‌های تاریخی بسیار حائز اهمیت است، توسعه‌ای که می‌بایست نیازهای امروز بشر را بدون از دست دادن توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازها و خواسته‌هایش تأمین کند.^۱

گورستان‌های امروز شهرهای ایران به فضایی باز در مقیاس‌های بزرگ و خارج از شهرها تبدیل شده و گورستان‌های تاریخی نیز به‌گونه‌ای متروک، به حال خود رها شده‌اند و اثری از پویایی شهر در آنها دیده نمی‌شود و این در حالی است که فضای شهری با عملکرد گورستان، ظرفیت‌های فراوانی را از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی داراست که می‌تواند کمک شایانی به توسعه پایدار شهر نماید. گورستان «پرلاشز» در پاریس نمونه‌ای خوب در میزان پویایی و تعامل اجتماعی در فرانسه است. این آرامگاه وسیع‌ترین فضای سبز در محدوده داخلی پاریس می‌باشد؛ به‌طوری که از آن به‌عنوان موزه‌ای در فضای باز یاد می‌شود. این گورستان یک فضای عمومی و گردشگری در شهر است، فضایی که توسط شهرداری اداره شده و به همه شهروندان تعلق دارد.^۲ این خصوصیات همراه با ویژگی‌های منحصر به فرد دیگر از جمله عناصر معماری ایرانی - اسلامی، موزه‌ها، کتابخانه و فضاهای تفریحی در تخت فولاد، باعث شده این آرامگاه به یک مرکز فرهنگی و هنری و جاذبه گردشگری تبدیل گردد و شهروند امروزی را با هویت و گذشته تاریخی این سرزمین پیوند دهد. تخت فولاد با حفظ و نگهداری از میراث تاریخی خود، علاوه بر انتقال مفاهیم سنت و هویت، همرا با دیگر عناصر معماری شهری، کمک شایانی نیز به توسعه پایدار شهر اصفهان نموده است.

جدول (۲): بررسی برخی تکایا و بناهای تخت فولاد از منظر

معماری، تزئینات و ارتباط با بافت شهری اصفهان

نام بنا	دوره تاریخی	عناصر معماری	عناصر تزئینی	ارتباط با شهر	تصویر
تکیه بابا رکن‌الدین	صفوی (شاه عباس)	گنبد رُک دو بوش پلان هشت‌ضلعی سردر چله‌خانه سنگاب و سقاخانه	گچبری کاشی‌کاری کتیبه‌نگاری نقاشی دیواری	خیابان سعادت‌آباد (آزادگان)	

۱. بحرینی، مقایسه مفاهیم توسعه و توسعه پایدار، ص ۹.

۲. کاشیگر، «معماری مرگ»، مجموعه مقالات معماری مرگ، ویژه‌نامه نشریه معمار، ش ۶۳، ص ۱۰۳.

نام بنا	دوره تاریخی	عناصر معماری	عناصر تزئینی	ارتباط با شهر	تصویر
تکیه میرفندرسکی	صفوی (شاه عباس)	سردر مقرنس سنگاب و سقاخانه حیاط مرکزی چله خانه	گچ‌بری کتیبه‌نگاری نقاشی دیواری کاشی کاری	خیابان آب ۲۵۰ و خیابان دهش	
تکیه خوانساری	صفوی (شاه سلیمان)	سردر مقرنس گنبد ترک‌دار و دو پوش	کاشی کاری گچ‌بری نقاشی دیواری کتیبه‌نگاری	خیابان آزادگان و خیابان خوانساری	
تکیه میرزا رفیعا نائینی	صفوی (شاه سلیمان)	گنبد زیر گنبد مقرنس پلان هشت ضلعی	تزئینات رنگی کاشی کاری کتیبه‌نویسی	خیابان سعادت‌آباد (آزادگان)	
تکیه خاتون‌آبادی	صفوی (شاه‌سلطان حسین)	سردر، گنبد مدرسه، مسجد سقاخانه، حجره	کاشی کاری گچ‌بری کتیبه‌نویسی	محور تاریخی واله	
تکیه فیض علیشاه	افشاریه و زندیه	پلان چهارتاقی بادگیر	آجر کاری کاشی کاری	خیابان فیض	
تکیه واله (والهیه)	اواخر زندیه و اوایل قاجار	گنبد دو پوش حجره سنگاب	کاشی کاری کتیبه‌نویسی گچ‌بری	خیابان فیض	
تکیه مادرشاهزاده	قاجاریه (فتحعلی‌شاه)	سنگاب و سقاخانه چله‌خانه مقرنس سردر حجره	کاشی کاری گچ‌بری کتیبه‌نویسی یادگارنویسی	خیابان خوانساری	
تکیه کازرونی	قاجاریه (ناصرالدین شاه)	مسجد، آب انبار سقاخانه و سنگاب پلان هشت ضلعی	کاشی کاری تزئینات آجری	خیابان سعادت‌آباد (آزادگان)	
تکیه شهبشاهانی	قاجاریه (ناصرالدین شاه)	پلان هشت ضلعی گنبدچه	تزئینات آجری	خیابان فیض	
تکیه بروجردی	پهلوی	سردر پلان هشت ضلعی گنبد	تزئینات آجری	خیابان سعادت‌آباد (آزادگان)	

نام بنا	دوره تاریخی	عناصر معماری	عناصر تزئینی	ارتباط با شهر	تصویر
تکیه حجت نجفی	پهلوی	گنبد صحن	کاشی کاری کتیبه‌نگاری	خیابان سعادت آباد (آزادگان)	
بقعه تاج اصفهانی	انقلاب اسلامی	گنبد پلان چهارتاقی	کاشی کاری تزئینات آجری	محور تاریخی واله	
بقعه شمس آبادی	انقلاب اسلامی	گنبد پلان شش ضلعی	کاشی کاری کتیبه‌نگاری	خیابان سجّاد	
تکیه فاضل اصفهانی	انقلاب اسلامی	گنبد پلان چهارضلعی	کاشی کاری کتیبه‌نگاری	خیابان فیض	
کاروان سرای ملک	صفویه	سردر پلان مستطیل	تزئینات آجری	خیابان فیض	
سقاخانه‌ها با رکن الدین	صفویه	قوس جناغی سنگاب	کاشی کاری تازئینات آجری کتیبه‌نگاری	خیابان سعادت آباد (آزادگان)	
سقاخانه میرفندرسکی	صفویه	سردر قوس جناغی سنگاب	کاشی کاری تازئینات آجری	محور تاریخی واله	
آب انبار کازرونی	صفویه	سردر مناره پلان شش ضلعی	کاشی کار تازئینات آجری کتیبه نگاری	خیابان فیض	
مسجد رکن الدین	قاجاریه	مدرسه - سنگاب آب انبار - سقاخانه سردر - گنبد - بقعه	کاشی کاری حجّاری کتیبه نگاری	خیابان فیض	
موزه سنگ	قاجاریه	پلان چهارضلعی گنبد رُک	کاشی کاری و کتیبه‌نویسی	محور تاریخی واله	
کتابخانه باغ طوبی	انقلاب اسلامی	-	-	خیابان شاطر گلی	

نتیجه

مطالعه و بررسی کالبدی و کارکردی شهرهای قدیمی و معماری و شهرسازی نهفته در آنها زوایای مبهم و ارزشمندی از تاریخ، فرهنگ و هنر این سرزمین و تفکرات پیرامون آنها را آشکار می‌کند. این مطالعات زمینه و راهکاری برای احیای بافت‌های کهن است و الگویی در زمینه طراحی و ساخت فضاهای شهری در یک جامعه اسلامی ارائه می‌دهد. آرامگاه‌های قدیمی گرچه از ظرفیت‌های فرهنگی و هنری بالایی برخوردارند، از جمله بسترهای تحقیقاتی هستند که کمتر مورد بررسی و مطالعات تطبیقی قرار گرفته‌اند.

تخت فولاد اصفهان با حضور تاریخی خود و در ارتباط با کالبد شهری اصفهان، انواع ویژگی‌های فرهنگ، تمدن و هویت ایرانی - اسلامی را به تجربه نشسته و گنجینه‌ای ارزشمند از هنر و معماری را به وجود آورده است. این آرامگاه هویت خود را در مرتبه اول مدیون تفکرات شیعی و اقدامات دولت صفوی و پس از آن قاجار تا عصر حاضر و توجه ایشان به بزرگان علم و عرفان در ذیل مکتب معماری و شهرسازی اصفهان است. مکتبی که با بهره‌گیری از باورهای اسلامی و اعتقادات شیعی و ساخت انواع بناهای دینی و غیر دینی و اتصال آنها با یکدیگر، معماری و شهرسازی اصفهان را با مفهوم آرمان شهر اسلامی مرتبط ساخت. در این مکتب آرامگاه و آرامگاه‌سازی اهمیت و ارزشی همپای دیگر بناهای شهری دارد. تخت فولاد به‌عنوان یک آرامگاه در باطن خود محتوایی متفاوت و مجزا با دیگر عناصر معماری شهری دارد، اما در ظاهر و صورت خود از کلیات معماری و شهرسازی اصفهان پیروی کرده و در مسیر هدفی مشترک عمل می‌نماید؛ هدفی که تمامی جنبه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شهروندان را مورد توجه قرار می‌دهد و انسان زمینی را با جایگاه بهشتی‌اش آشنا و مانوس می‌کند. تخت فولاد اصفهان با توجه به این خصوصیات ساختاری، محتوایی و هویت تاریخی خود، تبدیل به یکی از مهم‌ترین گورستان‌های جهان تشیع شده، همسو با توسعه پایدار شهری حرکت می‌کند و لذا قادر است الگویی مناسب از هنر و معماری را برای دیگر آرامگاه‌های ایران و جهان اسلام فراهم آورد. بر این اساس حفظ، نگهداری و تحقیقات بیشتر پیرامون تاریخ و هنر آن جهت نسل‌های آینده را لازم و ضروری می‌نماید.

منابع و مأخذ

۱. اهری، زهرا، مکتب اصفهان در شهرسازی، تهران، نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
۲. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۳. بحرینی، «مقایسه مفاهیم توسعه و توسعه پایدار: یک تحلیل نظری»، مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، زیر نظر بهناز امین‌زاده، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

۴. بهزادفر، مصطفی، هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، تهران، مؤسسه نشر شهر، ۱۳۸۷.
۵. بورکهارت، تیتوس، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر سروش، ۱۳۷۰.
۶. پارک، ازرا، مفهوم شهر، مطالعات شهری و منطقه‌ای، رفتار انسانی در محیط شهری، ترجمه گیتی اعتماد، تهران، نشر گروه تحقیقات و مطالعات شهری و منطقه‌ای، ۱۳۵۸.
۷. تحویلدار، میرزا حسین خان، جغرافیای اصفهان، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۸.
۸. جابری انصاری، محمدحسن، تاریخ اصفهان، اصفهان، نشر مشعل، ۱۳۷۸.
۹. جبل عاملی، عبدالله، «نوآوری در معماری دوره قاجار در برخی از بناهای تاریخی اصفهان»، مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۷.
۱۰. حبیبی، محسن، «مکتب اصفهان در شهرسازی، گذر از عالم خیال به سرزمین خرد»، گردهمایی مکتب اصفهان، مجموعه مقالات معماری و شهرسازی، تهران، نشر فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۵۶ - ۳۵۰.
۱۱. _____، «مکتب اصفهان، دولت قاجار و سبک تهران»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، نشر میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۷، ص ۲۴۶ - ۲۳۳.
۱۲. حقیر، سعید و یلدا شوهانی‌نژاد، «چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران»، نشریه باغ نظر، سال ۸، ش ۱۷، ۱۳۹۰.
۱۳. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۱.
۱۴. شاردن، ژان، سفرنامه شاردن (بخش اصفهان)، ترجمه حسین عربضی با مقدمه علی دهباشی، تهران، نشر نگاه، ۱۳۶۲.
۱۵. ضرابی، اصغر، «ساختار شهر در اصفهان عصر صفویه»، مجموعه مقالات اصفهان و صفویه ج ۲، نشر دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰.
۱۶. طهوری، نیره، «اصفهان شهر زمردین»، گردهمایی مکتب اصفهان (مجموعه مقالات حکمی و هنری)، نشر فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷، ص ۲۶۴ - ۲۴۲.
۱۷. عقابی، محمدمهدی، بناهای آرامگاهی، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۸. غروی، مهدی، آرامگاه در گسترده فرهنگ ایرانی، تهران، نشر انجمن آثار و مفاخر، ۱۳۷۵.
۱۹. فقیه میرزایی، گیلان و دیگران، تخت فولاد یادمان تاریخی اصفهان، تهران، نشر میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۴.

- ۱۱۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، پاییز ۹۳، شماره ۱۶
۲۰. کاشیگر، مدیا، «معماری مرگ»، مجموعه مقالات معماری مرگ، ویژه‌نامه نشریه معمار، ش ۶۳، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶ - ۱۰۱.
۲۱. کیانی، محمد یوسف، معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
۲۲. منتظرالقائم، اصغر و حسین حمیدی اصفهانی، «جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی»، مجموعه مقالات اولین همایش آرمانشهر اسلامی، نشر دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷، ص ۴۷۰ - ۴۶۱.
۲۳. منتظرالقائم، اصغر، دانشنامه تخت فولاد، نشر سازمان شهرداری اصفهان، ۱۳۹۰.
۲۴. نصر، سید حسین، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه ر. قاسمیان، تهران، نشر دفتر مطالعات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۵. نگارستان، فرزین و دیگران، «تئوری منظر، رویکردی بر تداوم هویت در روند نوسازی شهر»، نشریه باغ نظر، سال ۷، ش ۱۴، ۱۳۸۹.
۲۶. هلتنزی هال، ویلیام، تاریخ و فلسفه علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، نشر سروش، ۱۳۶۳.
۲۷. هیلن براند، رابرت، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران، نشر روزنه، ۱۳۸۰.
۲۸. _____، «معماری ایران در دوره صفویان»، مجموعه مقالات تاریخ ایران در دوره صفوی (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر مهتاب، ۱۳۸۴، ص ۴۹۴ - ۴۰۳.

